



«گفتم اعتماد نکنید!» منتشر شد

کتاب «گفتم اعتماد نکنید!» با عنوان فرعی «باز خوانی مستند و جامع تدابیر و نقد‌های مقام معظم رهبری حاوی باز خوانی بیانات، تدابیر و نقدهایی درباره مذاکرات هسته‌ای دولت» به همت دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی تدوین و روانه بازار کتاب شده است. به گزارش مهر، کتاب «گفتم اعتماد نکنید!» دو فهرست «اجمالی» و «تفصیلی» دارد و در قالب ۱۶ صفحه به صورت مصور تدوین شده که توسط انتشارات شهید کاظمی زیر چاپ رفته است. کتاب مذکور به «سرداران مقاومت، سلحشوران مدافع حرم، مجاهدان حزب‌الله لبنان، جان‌پر کفان یمن و بحرین و سردار بی‌ادعای سوریه، شهید حاج حسین همدانی» تقدیم شده است. کتاب «گفتم اعتماد نکنید!» از شش فصل اصلی تشکیل شده است که عناوین آنها در بالا ذکر شد. در فصل اول رویکرد کلان رهبری به تحلیل مسائل پیش روی نظام اسلامی و منطق مواجهه با هر مسئله‌ای روشن می‌گردد. در فصل دوم به معرفی دو رویکرد مدیریتی در کشور اشاره شده که هر یک راهبرد خروج از مشکلات را در مسئله‌ای ویژه می‌بینند و مقام معظم رهبری به معرفی این دو رویکرد و نتایج هر یک می‌پردازد. فصل سوم به مهم‌ترین مسئله‌ای که موجب گرایش دولت به سمت مذاکرات هسته‌ای شد، می‌پردازد. فصل چهارم این کتاب حاوی آسیب‌شناسی‌های راهبردی رهبر معظم انقلاب نسبت به نگاه کلان دولت به سیاست خارجی، امریکا و رابطه با غرب بوده و در فصل پنجم که به نوعی مهم‌ترین فصل این کتاب است، تدابیر سه‌گانه رهبری نسبت به مذاکرات هسته‌ای در مراحل قبل، حین و بعد از مذاکرات و نیز آسیب‌شناسی جامعه ایشان نسبت به برجام، بیان می‌گردد. فصل ششم و پایانی کتاب هم نشان‌دهنده تصویر کلانی از مناسبات ایران و امریکاست.

تسلیت رئیس بنیاد روایت فتح

در پی درگذشت پدر شهید مر تفضی آوینی
رئیس بنیاد روایت فتح طی پیامی درگذشت سیدمحمدی آوینی پدر شهیدسیدمر تفضی آوینی را تسلیت گفت وسیدشهیدان اهل قلم را «یکی از هزاران ثمره پدر معنوی انقلاب» دانست.
در بخشی از پیام رئیس بنیاد روایت فتح آمده است:
«اوینی یکی از هزاران ثمره پدر معنوی این انقلاب، خمینی کبیر رحمت‌الله علیه بوده و در بهترین زمان با تأسی از سخن نبی مکرّم اسلام(ص) از نجات الهی بهره برده و تبدیل به سید شهیدان اهل قلم شد.سیدمر تفضی آوینی فرزند صالحی است که همواره باعث افتخار انقلاب اسلامی بوده و قطعاً پدر بزرگوارشان هم به وجود پر کات آن شهید بالیده است.
اوینی فردی است که همواره قدم‌هایش مسیر هنر متعالی را مشخص کرده و مامروز بر خود می‌بایم که تمامی تالشمان ادامه دادن راهش بوده و با جانمان از آن مرثی دفاع کنیم.»



مدیرعامل بنیاد بازی‌های رایانه‌ای خبر داد

اختصاص ۳۰میلیارد تومان

به صندوق سرمایه‌گذاری بازی‌های رایانه‌ای
بزرگ‌ترین صندوق سرمایه‌گذاری در حوزه بازی‌های رایانه‌ای
تأسیس بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای میان سه شرکت در این حوزه ایجاد شد.

به گزارش مهر، روز گذشته بزرگ‌ترین صندوق سرمایه‌گذاری در حوزه بازی‌های رایانه‌ای به تولی بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای میان سه شرکت فعال در این حوزه در بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای ایجاد شد. این صندوق حوزه‌های گیم، انیمیشن و بازی‌های دیجیتال را در برمی‌گیرد که نزدیک ۳۰میلیارد تومان هزینه آن است. سیدصادق پژمان، مدیرعامل بنیاد بازی‌های رایانه‌ای در این نشست گفت: خوشحالم که این اتفاق مبارک یعنی ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری در حوزه بازی‌های رایانه‌های به مجموعه بنیاد به صورت رسمی آغاز می‌شود، به دلایل مختلفی همکاران انتخاب خوبی داشته‌اند.



روزنامه جوان | شماره ۵۷۹۴ | دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۸ | ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۶ | اذان مغرب: ۱۷:۱۵ | نیمه‌شب: ۲۳:۰۰ | اذان صبح: ۵:۱۶ | طلوع آفتاب: ۶:۴۴ |

موسیقی در مشت سوداگران

مدیریت عرصه موسیقی تقریباً به حال خود رها شده و نبض کار به دست سوداگران این عرصه افتاده است



■ جواد محرمی

شرایط موسیقی در ایران چه در سبک پاپ و چه در سبک سنتی دوران خوبی را سپری نمی‌کند. کیفیت آثار اغلب چنگی به دل نمی‌زند. بسیاری از خواننده‌های پاپ پس از یک فروغ آتی با یک یادو آلبوم به سرعت به افول می‌روند. در چنین وضعیتی عمده اداره محتوا و ذائقه‌سازی آثار موسیقایی به جای متولی امر موسیقی به دست مافیای موسیقی و ارثیه کننده‌های پاپی افتاده که برایشان سودجویی حرف اول را می‌زند. کنسرت و برگزاری آن موضوعی است که طی دو انتخابات گذشته بستری برای ایجاد موج اجتماعی یک جریان سیاسی شد. تأکید صرف روی برگزاری کنسرت و رها کردن محتوای آثار در ایسن دوران را می‌توان یکی از ریشه‌های تضعیف موسیقی دانست چراکه مدیریت حوزه موسیقی تقریباً به حال خود رها شده و نبض کار به دست سوداگران این عرصه افتاده است.

■ محتوا: قربانی سوداگری

در این شرایط که سودجویی و درآمذایی حرف اول را می‌زند اصلی‌ترین قربانی محتوا و کیفیت آثار خواهد بود. این تنها دامن موسیقی پاپ را نگرفته، رونمایی از تازه دو تن از سرآمدان موسیقی سنتی ایرانی که اخیراً انجام شد و کیفیت پایین آن مخاطبان این جنس از موسیقی را نیز به واکنش واداشت که نشان می‌دهد موسیقی در همه ابعاد در حال تضعیف شدن است. شاید بتوان از این دوره به عنوان یک دوره گذار یاد کرد که ضعف کیفیت آثار متأثر از فضای فرهنگی و اجتماعی نه چندان مطلوب و به افول گذارده است. وقتی سیاستمداران برای کسب رأی تن به فضای پوپولیستی و دوطبقی‌های کنسرتی می‌دهند، ظهور این شرایط خیلی هم دور از ذهن نخواهد بود.

وضعیت بلبشوی موسیقی کار را به جایی کشانده که تهیه‌کننده‌ها و فعالانی که در این عرصه

وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با اشاره به ظرفیت جاذبه‌های ایران در کشورهای هدف گردشگری گفت: حضور در نمایشگاه‌های گردشگری باید متناسب با شأن و جایگاه ایران باشد. نماینده مونسان در سومین جلسه شورای سیاستگذاری صنعت گردشگری با اشاره به اهمیت تعامل با کشورهای هدف گردشگری و معرفی ظرفیت‌ها و جاذبه‌های ایران در این کشورها گفت: حضور در نمایشگاه‌های

■ حکمت

حکمت ۳۶۸

همانا خداوند پاداش را بر اطاعت و کیفر را بر نافرمانی قرار داد تا بندگان را از عذابش برهاند و به سوی بهشت کشاند.

روزنامه جوان | شماره ۵۷۹۴ | دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۸ | ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۶ | اذان مغرب: ۱۷:۱۵ | نیمه‌شب: ۲۳:۰۰ | اذان صبح: ۵:۱۶ | طلوع آفتاب: ۶:۴۴ |

موسیقی در مشت سوداگران

مدیریت عرصه موسیقی تقریباً به حال خود رها شده و نبض کار به دست سوداگران این عرصه افتاده است

می‌توان به این مهم پی برد که همان‌ها که دوران اوج خود را در کشورهای بعضاً پیشرفته خود در دهه‌های گذشته طی کرده و در حال حاضر دوران افول هنری خود را تجربه می‌کنند به ایران و کشورهای عمدتاً آسیایی علاقه‌مند می‌شوند که این علاقه نه از سر احترام که از روی ناچاری است چراکه بازاری بهتر از این کشورها برای عرضه هنری که دیگر چندان خریداری در فرنگ ندارد، نمی‌یابند.

در بحبوحه جریان برجام نیز دولت تدبیر و امید با انگیزه ایجاد ارتباط فرهنگی در لوی گشایش سیاسی ایران با غرب، طرح «دیپلماسی فرهنگی» را در دستور کار خود قرار داد.

دولتمردان پیگیر این طرح شدند و امیدوار از بهتر شدن اوضاع سیاسی و به دنبال آن اقتصادی و فرهنگی و... بنابر این همه نهاده‌ها و وزارتخانه‌ها در مسیر این تعامل قرار گرفتند و وزارت ارشاد نیز با جدیت همین دیپلماسی فرهنگی را دنبال کرد. «پانی» هنرمند معروف یونانی که کنسرت آکروپولیسش در دو دهه پیش در جهان سروصدای زیادی به پا کرده بود از اولین هنرمندانی بود که برای کنسرت در ایران ابراز تمایل کرد که این امر محقق نشد و تلاش او برای برگزاری کنسرت در ایران بی‌نتیجه ماند و قرعه به نام «کتارو» هنرمند ژاپنی افتاد که توانست کنسرت خود را در ایران به اجرا بگذارد. پس از او هنرمندان دیگری از سراسر جهان برای برگزاری کنسرت در بازار جدیدی به نام ایران صف کشیدند؛ بازاری که بهشت هنرمندان از زده خارج بود. سؤالی که در این وضعیت پیش می‌آید این است که آیا موسیقی و خواننده‌های ایرانی کفاف ذائقه ایرانی‌ها را نمی‌دهند؛ به طور قطع نزول کیفیت موسیقی ایرانی در این مسئله تأثیرگذار است اما چه دست‌هایی سبب شده این شرایط برای موسیقی رقم بخورد.

چه کسی مسئول پایین آمدن کیفیت موسیقی ملی و ایرانی و پاپ در ایران است؟ سیاستگذاری یا بهتر بگوییم نداشتن برنامه از سوی متولیان موسیقی چقدر تأثیرگذار بوده است؟ بازاری شدن و غلبه سودجویی چقدر به این وضعیت دامن زده است؟ در زمانه‌ای که مجتمع‌های عظیم تجاری بدون نظارت و حساسیت نهاده‌های حاکمیتی مثل قارچ سربرمی‌آورند و ریشه‌های رونق تولید کشور را خشک می‌کنند و بخشی از درآمدشان از واردات بی‌رویه را برای تبلیغات به حوزه فرهنگ و هنر اختصاص می‌دهند، چرخه‌ای ساخته شده که به طور سیستماتیک دست به فرهنگ‌سازی و ذائقه‌سازی می‌زند. این چرخه در سینما اثرگذاری خود را عیان کرده و در عرصه‌های چون موسیقی و تئاتر نیز کار را به دست گرفته‌است. در این میان نهاد متولی فرهنگ بیش از هر زمان دیگری در فعال به سر می‌برد.

سوداگری می‌کنند نیم‌نگاهی هم به خواننده‌های خارجی داشته باشند.

با نگاهی به برگزاری برخی کنسرت‌هایی که گروه‌ها یا خواننده‌های خارجی در ایران طی چند سال اخیر بر گزار کرده‌اند به دست می‌آید که قیمت کنسرت‌های این خواننده‌های رو به افول و بازنشسته از کنسرت‌های ایرانی بیشتر است اما این را که چرا تهیه‌کننده‌های ایرانی برای آوردن این خواننده‌ها به ایران تمایل دارند، می‌توان ناشی از رهاشدگی مدیریت موسیقی و دست پنهان سوداگران این عرصه دانست که در ذائقه‌سازی روی عرصه و تقاضا تأکید دارند. در این میان نظام مافیایی تهیه‌کننده‌ها توان ذائقه‌سازی دارند و ابتذال این عرصه را می‌توان ناشی از همین ذائقه‌سازی سوداگران‌انه دانست.

■ کدام دیپلماسی فرهنگی!

در این ارتباط فارس در گزارشی درباره کنسرت برخی خواننده‌های خارجی در ایران می‌نویسد: «شاید باور کردنش سخت باشد که بلیت‌های کنسرت گروه «شیلر» در ایران از ۱۰۰ تا ۵۰۰هزار تومان به فروش رسیده و با احتساب میانگین قیمت ۲۵۰ هزار تومانی برای محاسبه ۹هزار بلیت فروخته شده، این گروه از زده خارج با درآمدی حدود ۲میلیارد و ۲۵۰میلیون تومان ایران را ترک کرد! با نگاهی به سوابق عمده هنرمندانی که برای برگزاری کنسرت به ایران می‌آیند به راحتی

مونسان: حضور در نمایشگاه‌های گردشگری متناسب با جایگاه ایران باشد

گردشگری باید متناسب با شأن و جایگاه کشور باشد، آماده‌سازی محتوا، محله و بسته‌های تبلیغاتی برای عرضه در این نمایشگاه‌ها هم باید به‌طور ویژه دنبال شود. مونسان اضافه کرد: در سال‌های گذشته حضور ایران در نمایشگاه‌های گردشگری ضعیف بود، اما خوشبختانه در سال اخیر با در اختیار گرفتن فضای مناسب و طراحی غرفه‌های متناسب با جایگاه ایران، حضوری فعال و پرنرزی در نمایشگاه‌های گردشگری داشته‌ایم.

■ تلویزیون

اهالی «پایتخت» متحول شده‌اند

نویسنده فصل ششم سریال تلویزیونی «پایتخت» درباره ویژگی‌های قصه این فصل، ماجرای سفر به خارج از کشور یکی از کاراکترها و چالش‌های داستانی آن توضیحاتی ارائه کرد. ارش عباسی نویسنده فصل ششم سریال «پایتخت» گفت: گو با مهر ضمن اشاره به نگارش حدود شصت قسمت از فیلمنامه این سریال گفت: به جرئت می‌توان گفت همه شخصیت‌ها دچار تحول شده‌اند و با آنچه در ذهن مخاطب است متفاوت هستند. به هر حال از زمانی که فصل اول «پایتخت» روی آنتن رفته حدود ۱۰ سال می‌گذرد و این شخصیت‌ها در طول زمان تغییر کرده‌اند. در این فصل با غافلگیری‌های زیادی روبه‌رو هستیم.

عباسی در توضیح بیشتر قصه سریال و روند ماجراهای آن کرد: بخش اعظم سریال در شمال کشور می‌گذرد و طبیعتاً تماشاگر انتظار دارد سفری هم‌با این کاراکترها به خارج داشته باشد. البته اینگونه نبود که به دلیل جذابیت سفر، چنین اتفاقی که قصه داشته باشیم بلکه قصه ایجاب می‌کرد که حتماً کاراکترها سفری به خارج از کشور داشته باشند و در واقع اجباری است که برای یکی از شخصیت‌ها رخ می‌دهد. وی درباره دیگر سختی‌های این فصل نیز گفت: بازگشت پهبود برای ما نویسندگان بسیار سخت و چالشی بود، چون باید دلایل و روند این بازگشت را به‌طور منطقی برای مخاطب نمایش دهیم و یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ما همین روایت منطقی ماجرا بود. چالش سخت بعدی هم این بود که باید جای خالی علیرضا خیمه در نقش بابانجلی را پر می‌کردیم. این فیلمنامه‌نویس در پایان درباره مهم‌ترین ویژگی این فصل عنوان کرد: مهم‌ترین ویژگی این فصل از «پایتخت» در غافلگیری‌هایی است که برای مخاطب دارد، فصل‌های تازه‌ای از اتفاقات برای کاراکترها باز می‌شود که داستان آنها گسترده است.

■ نما حسین کشتار



نگاهی به شاعرانگی‌های بارانی در سینما و تلویزیون

کارگردانی هستند که از باران به شکل مداوم در آثارشان استفاده کرده‌اند و البته توانایی ویژه‌ای در بهره‌گیری از آن دارند

■ حسن حقیقی

چند روزی است که باران و برف میهمان بسیاری از نقاط ایران شده‌است، کمتر آدمی است که نسبت به لحظات بارانی حس بدی داشته و آن را نامطلوب بداند. از قضا به طور حتم اتفاق نظری نسبت به فضای دل‌انگیز روزهای بارانی مردم می‌توان مشاهده کرد که حس آمیخته با شاعرانگی را در آنها موجب می‌شود. همین نکته و حس دلپذیر حاصل از آن هم سبب شده تا کارگردانان بسیاری در آثارشان جهت دراماتیک کردن، حس آمیز کردن و تأثیر بیشتر موقعیت‌ها از تمهید بارش باران استفاده کنند. شمار کردن کارگردان‌هایی که از این تمهید استفاده کرده‌اند کاری عبث است، چراکه هر کارگردانی احتمالاً دست‌کم یک بار از بارانی کردن موقعیتی در فیلمش با توجه به شرایط داستانی بهره گرفته‌است اما کارگردانی هستند که از باران به شکل مداوم در آثارشان استفاده کرده‌اند و البته توانایی ویژه‌ای در بهره‌گیری از آن دارند. فریدون جیرانی در آثارش از باران در پدید آوردن موقعیت‌های دراماتیک، بسیار استفاده کرده است. صدای رعدوبرق و لحظات بارانی اصولاً از ویژگی‌های معمول و همیشگی بسیاری از آثارش است و تصویر باران در شب تقریباً موقعیت ثابت تمام آنهاست. از سینمایی‌هایش که بگذریم کافی است تا با تماشای مجدد سریال‌های «هرگ تردیدی یک رؤیا» و «تعبیر وارونه یک رؤیا» متوجه فراوانی لحظات آمیخته با باران در فیلمساز شومیم و به علاقه‌او که مهارت بسیاری در آن دارد پی ببریم. به یاد یارید موقعیت‌های احساسی با حضور دانیال حکیمی که با تماشاشان بارانی است و در دیگر سریالش تعبیر وارونه یک رویا یکی از به‌یادماندنی‌ترین‌هایش، شهادت مأموران زیر باران جلوی خانه دانشمند هسته‌ای با پایان‌بندی تراژیک این سریال که کاملاً در باران انجام گرفته، است. اما مسعود شاه‌محمدی دیگر کارگردانی است که در آثارش معمولاً استفاده از باران دارد و زمین‌های خیس و باران خورده از جمله ویژگی‌هایی است که در سریال‌هایش به‌طور بافت می‌شود و اتفاقاً او نیز مهارت ویژه‌ای در تصویر کردن لحظات بارانی دارد که نمونه‌اش در آثاری مانند «خداوند عشق را فریاد» و «عبور از پاییز» و «دربوز، امروز، فردا» قابل مشاهده و ردیابی است. او البته بر خلاف جیرانی علاقه‌مند به موقعیت‌های باران در روز است و انصافاً به‌ترین شکل انجاش می‌دهد که با حس زیبایی‌شناسی و مضامین شاعرانه آثارش بسیاری هماهنگ است. توانایی



شاه‌محمدی در ارائه لحظات ناب بارانی به حدی قابل توجه و دلپذیر است که نمی‌توان تماشایش کرد و آن را نشنود. بهروز شعبانی نیز از علاقه‌مندان تصویر کردن روزهای بارانی و سرد است. فیلم‌های «دهلیز» و «سیانور» را یک بار دیگر ببینید که چطور حس روزهای بارانی را به بهترین شکل تصویر می‌کند و سرمای روزهای زمستانی از لحظه لحظه این دو فیلمش قابل درک است. دهلیز فیلمی زمستانی است که روحی سرد از نماهای خیابانی آن جلوه می‌کند، اما علاقه کارگردان سبب شده تا هر چه بیشتر اتفاقاتش را در لحظات بارانی تصویر کند یا در سیانور که سردی زمان رخدادهای فیلم در فصل سرما را در حد محسوس تصویر می‌کند و در لحظه شهادت شریف واقفی دوباره این باران است که به کمک تأثیرگذاری هر چه بیشتر و بهتر از آب آمدن آن موقعیت می‌آید. به این لیست حسن فتحی را هم می‌توان افزود که از باران برای ترسیم حس برانگیز و تأثیرگذار بسیاری از موقعیت‌های آثارش بهره گرفته است. بسیاری از لحظات سریال مدارصر درجه و همینطور از به‌یادماندنی‌ترین‌هایش دقایق پایانی سریال «میوه ممنوعه» و حضور علی نصیریان در حیاط بیمارستان زیر بارش باران و صدای احسان خواجه‌امیری روی آن است که تأثیر پایان‌بندی اثر را دوچندان می‌کند. در میان یادآوری اسامی کارگردانی نمی‌توان به فریدون حسن‌پور اشاره نکرد که به سبب موقعیت مکانی آثارش که بسیاری از آنها در طبیعت شمال می‌گذرد، معمولاً باران نقشی مهم، همیشگی و دلپذیر دارد. این متن البته محدود به یادآوری آثار چند نویسنده و به‌طور حتم کارگردانان دیگری هستند که علاقه به تصویر کردن لحظات بارانی دارند و از این مهم‌تر آثار سینمایی و تلویزیونی فراوانی که با موقعیت‌های بارانی و برفی‌شان در یاد ما مانده‌اند و یادآوری‌شان روحمان را تازه کرده و جلا می‌دهد.

مر تفضی سرهنگی:

«خاطرات اسارت» انسانی‌ترین ادبیات جهان است



جنگ جهانی دوم، بارها جایزه نوبل را به دست آوردند.

وی با بیان اینکه در روسیه نیز اتحادیه نویسندگان جنگ تشکیل شده است، گفت: ادبیات پایداری ایران پی‌بدیل‌ترین نوع ادبیات جنگ در جهان است، چراکه جنگ ایران با سایر جنگ‌ها متفاوت است. سرهنگی با بیان اینکه معنویت در رزمندگان ما در طول دوران اسارت مثال زدنی بود به‌طوری‌که در اردوگاه‌های بعضی‌ها شدیدترین نوع شکنجه‌های جسمی و روانی را برسر رزمندگان ما وارد می‌کردند، ولی اینارگران ما به نشان دادن ایمان راسخ خود، سبقریان صلح و دوستی و صادرکنندگان پیام انقلاب در دوران اسارت بودند.

پژوهشگر ادبیات پایداری به همایش بزرگ ادبیات جنگ بوئسنی اشاره و عنوان کرد: در این همایش جهانی که کشورهای آلمان، ایتالیا و روسیه نیز حضور داشتند، ادبیات پایداری ایران مورد توجه نویسندگان بزرگ ادبیات جنگ در جهان قرار گرفت.